

تحلیل معناشناختی سکینه در قرآن و روایات و تبیین مرز آن با آرامش روان‌شناختی

مهدی قهرمان^{۱*}، فاطمه قهرمان^۲

۱- دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه صنعتی سهند تبریز، تبریز، ایران
۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد واحد تبریز، تبریز، ایران

پذیرش ۱۴۰۵/۰۵/۲۶

دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷

چکیده

این پژوهش با هدف بازخوانی معناشناختی مفهوم «سکینه» در قرآن و روایات و تبیین مرز آن با «آرامش روان‌شناختی» در ادبیات معاصر انجام شده است. مسئله اصلی آن است که آیا سکینه در کاربرد قرآنی-روایی را می‌توان معادل نوعی آرامش روانی دانست، یا آنکه این مفهوم از حیث منشأ، کارکرد و غایت، دلالتی متمایز دارد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر معناشناسی واژگانی در بافت است که شامل بررسی روابط همنشینی و جانشینی در شش کاربرد قرآنی و تحلیل توسعه‌های معنایی آن در ۲۱ روایت منتخب می‌شود. در سطح قرآنی، سکینه با منشأ الهی، کارکرد تثبیت‌گر درونی، پیوند با موقعیت‌های خوف، فشار یا تصمیم‌ساز ایمانی، ارتباط با قلب، ایمان، نصرت و تقابل با حمیت جاهلی شناخته می‌شود. در سطح روایی، ضمن حفظ هسته قرآنی، ابعاد آیینی-عبادی، خلقی و گاه جمعی این مفهوم برجسته‌تر می‌شود؛ هرچند این لایه صرفاً در رتبه‌ای تبیینی نسبت به داده قرآنی قرار دارد. بر پایه تحلیل مؤلفه‌ای، سکینه معادل کامل «آرامش روان‌شناختی» در رویکردهای رایج معاصر نیست؛ زیرا منشأ الهی، غایت ایمانی-هدایتی و دامنه گاه جمعی، آن را از صورت‌بندی‌های متعارف روان‌شناختی متمایز می‌سازد. با این حال، همپوشی توصیفی میان این دو حوزه به‌طور مطلق نفی نمی‌شود.

واژگان کلیدی: سکینه، معناشناسی قرآن، روایات، آرامش روان‌شناختی، همنشینی، جانشینی

۱- مقدمه

۱-۱- تعریف مسأله

مفاهیم قرآنی، افزون بر نقش زبانی، حامل شبکه‌ای از دلالت‌های اعتقادی، اخلاقی و وجودی‌اند که فهم آن‌ها بدون توجه به بافت کاربرد، روابط واژگانی و سیر توسعه مفهومی دشوار است. یکی از این مفاهیم، «سکینه» است؛ واژه‌ای که در قرآن تنها در چند موضع محدود به کار رفته، اما در ادبیات تفسیری، حدیثی و حتی نوشته‌های معاصر دینی و روان‌شناختی، دامنه‌ای از معانی پیرامون آن شکل گرفته است. در بسیاری از خوانش‌های جدید، سکینه به سادگی با «آرامش»، «آسودگی روانی» یا «تعادل هیجانی» برابر گرفته می‌شود. حال آنکه، خود «آرامش روان‌شناختی» نیز در ادبیات علمی، مفهومی بسیط و تک‌تعریف نیست و بسته به رویکرد نظری، می‌تواند بر کاهش تنش، تنظیم هیجان، احساس بهزیستی، یا معناجویی در رنج دلالت کند؛ از این‌رو، هر مقایسه‌ای میان این مفهوم و سکینه، ابتدا نیازمند تعریف‌گذاری عملیاتی طرف روان‌شناختی بحث است. با وجود این، چنین معادل‌سازی‌ای هنگامی با دشواری روبه‌رو می‌شود که به ویژگی‌های خاص کاربرد قرآنی این واژه توجه شود: منشأ الهی تصریح‌شده، پیوند آن با موقعیت‌های بحران‌خیز ایمانی، نسبت آن با افزایش ایمان و حضور آن در بافت‌های جمعی و تاریخی (طباطبایی، ۱۴۱۷؛ Sinai, 2019)

مسئله اصلی این پژوهش، آن است که «سکینه» در قرآن و روایات دقیقاً چه شبکه معنایی‌ای دارد و تا چه اندازه می‌توان آن را با مفهوم «آرامش روان‌شناختی» در ادبیات معاصر قابل مقایسه دانست. فرضیه پژوهش، آن است که سکینه، هرچند در سطحی از تجربه انسانی با آرامش همپوشی‌هایی دارد، در کاربرد قرآنی-روایی مفهومی فروکاست‌ناپذیر به آرامش روانی صرف است؛ زیرا با مؤلفه‌هایی تعریف می‌شود که در بسیاری از صورت‌بندی‌های روان‌شناختی به همان صورت حضور ندارند (شاکر و ملکی، ۱۳۹۸). بر همین اساس، مقاله حاضر می‌کوشد از یک‌سو، مرز داده قرآنی با توسعه‌های روایی و تفسیری را حفظ کند و از سوی دیگر، مقایسه با ادبیات روان‌شناختی را در سطحی مفهومی و غیرتقلیل‌گرانه پیش برد.

اهمیت این بحث از دو جهت است:

نخست، از حیث مطالعات قرآنی؛ زیرا تعیین مرزهای معنایی مفاهیم بنیادین، مانع از ترجمه‌فروشی مفهومی و معادل‌سازی‌های شتاب‌زده می‌شود؛
دوم، از حیث گفت‌وگویی میان مطالعات دینی و علوم انسانی معاصر؛ زیرا روشن می‌سازد که چه هنگام می‌توان از همپوشی مفهومی سخن گفت و چه هنگام باید از تفاوت‌های ساختاری دفاع کرد (Neuwirth, 2014).

هدف پژوهش حاضر، بازخوانی معناشناختی مفهوم «سکینه» در قرآن و روایات و تبیین مرز آن با «آرامش روان‌شناختی» در ادبیات معاصر است. روش پژوهش، از نوع مطالعات کیفی و به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. چارچوب اصلی تحلیل، معناشناسی واژگانی در بافت است (علوی‌مهر، ۱۳۹۲) و از سه ابزار مکمل بهره می‌گیرد: تحلیل همنشینی، تحلیل جانشینی و تحلیل مؤلفه‌ای.

در بخش روایات، پیکره‌ای مشتمل بر «۲۱» روایت از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت که لفظ «سکینه» در آن‌ها حضور داشته یا در بافتی مستقیم و معتبر به این مفهوم مربوط بوده، بررسی شده است (کلینی، ۱۴۰۷؛ صدوق، بی‌تا؛ بخاری، ۱۴۲۲؛ مسلم، ۱۴۲۱).

۲-۱- سؤالات پژوهش

پرسش اصلی پژوهش عبارت است از:

سکینه در قرآن و روایات چه مؤلفه‌های معنایی‌ای دارد و مرز آن با آرامش روان‌شناختی چیست؟

پرسش‌های فرعی نیز عبارتند از:

۱- واژه «سکینه» در شش کاربرد قرآنی خود با چه عناصر واژگانی و سیاقی همراه می‌شود؟

۲- چه مؤلفه‌هایی را می‌توان به‌صورت تقریبی از تحلیل همنشینی و جانشینی سکینه استخراج کرد؟

- ۳- روایات، کدام ابعاد این مفهوم را حفظ می‌کنند یا توسعه می‌دهند؟
- ۴- نسبت معناشناختی «سکینه» با مفهوم «آرامش روان‌شناختی» در ادبیات معاصر چیست و این دو در چه مؤلفه‌هایی با یکدیگر همپوشی یا تمایز دارند؟

۳-۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های موجود درباره سکینه را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- ۱- **مطالعات لغوی و تفسیری:** این آثار غالباً بر معنای ریشه «سکن»، کاربردهای قرآنی و اقوال مفسران تمرکز دارد (ابن فارس، ۱۴۰۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷).
- ۲- **مطالعات معناشناختی قرآنی:** در این دسته، سکینه در نسبت با بافت آیات و گاه با روش‌های متأثر از معناشناسی نوین بررسی می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۸۱؛ رضایی اصفهانی، صادقی و کریمی، ۱۳۹۶؛ Sinai, 2019; al-Khalidi, 2017).
- ۳- **مطالعات تطبیقی یا روان‌شناختی:** در این آثار، سکینه در پیوند با آرامش، سلامت روان، روان‌شناسی مثبت‌گرا یا معنویت‌درمانی تفسیر می‌شود (شاکر و ملکی، ۱۳۹۸؛ Frankl, 2006; Maslow, 1964).

افزون بر این سه دسته، باید به چند مسیر پژوهشی مرتبط نیز اشاره کرد:

نخست، آثاری که به‌طور عام به معناشناسی مفاهیم کلیدی قرآن و روش تحلیل شبکه‌های دلالتی پرداخته‌اند و از حیث روش، پشتوانه این پژوهش به‌شمار می‌آیند، هرچند موضوع مستقیم آن‌ها سکینه نیست (ایزوتسو، ۱۳۸۱؛ علوی‌مهر، ۱۳۹۲؛ Lyons, 1977; Cruse, 2004).

دوم، پژوهش‌هایی که در حوزه مطالعات دینی و روان‌شناسی، مفاهیمی مانند آرامش، معناجویی، سلامت معنوی و تاب‌آوری را بررسی کرده‌اند و از این حیث برای تعریف سویه روان‌شناختی مقایسه حاضر، اهمیت دارند، هرچند لزوماً درباره سکینه سخن نگفته‌اند (Frankl, 2006; Ryff, 1989; Gross, 1998).

سوم، آثاری که به نحوی تطبیقی به حضور الهی، آرامش ایمانی، یا مفاهیم هم‌خانواده در سنت‌های سامی پرداخته‌اند و افق مقایسه را گسترش می‌دهند، هرچند در استدلال اصلی این مقاله نقش حاشیه‌ای دارند (Neuwirth, 2014).

با این توضیح، پیشینه مقاله حاضر فقط به آثار دارای عنوان مستقیم «سکینه» محدود نیست، بلکه سه لایه را در بر می‌گیرد: پیشینه موضوعی، پیشینه روشی و پیشینه مقایسه‌ای. همین تفکیک نشان می‌دهد که پژوهش حاضر در تقاطع مطالعات معناشناختی قرآن، بازخوانی حدیثی و مقایسه مفهومی با روان‌شناسی جدید قرار دارد.

با وجود سودمندی این پژوهش‌ها، دو خلأ همچنان باقی است:

نخست، در بسیاری از آن‌ها مرز داده قرآنی با توسعه‌های روایی و تفسیری به قدر کافی روشن نشده است؛

دوم، در شماری از خوانش‌های جدید، معادل‌سازی سکینه با آرامش روان‌شناختی بدون تحلیل کافی تفاوت در منشأ، غایت و دامنه مفهوم صورت گرفته است. پژوهش حاضر می‌کوشد این دو خلأ را به‌طور هم‌زمان پوشش دهد. بر این اساس، ساختار مقاله نیز بر سه گام سامان یافته است:

نخست، تبیین چارچوب نظری معناشناختی و تعریف عملیاتی آرامش روان‌شناختی؛

دوم، تحلیل شش کاربرد قرآنی سکینه و سپس بازخوانی توسعه‌های روایی آن؛

سوم، مقایسه انتقادی برآیند این داده‌ها با برخی صورت‌بندی‌های رایج در روان‌شناسی معاصر.

۲- مبانی و مفاهیم نظری پژوهش

۲-۱- مبانی نظری پژوهش

چارچوب نظری این مقاله از دو بخش مکمل تشکیل شده است:

بخش نخست، معناشناسی واژگانی در بافت است؛

بخش دوم، چارچوب مفهومی روان‌شناختی برای تعریف «آرامش روان‌شناختی». در بخش معناشناسی، پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که معنای واژه، نه از ریشه‌شناسی صرف به‌دست می‌آید و نه از ترجمه تحت‌اللفظی؛ بلکه در شبکه روابط درون‌متنی، به‌ویژه همنشینی و جانشینی، آشکار می‌شود. از این‌رو، تحلیل حاضر از یک‌سو از الگوی معناشناسی میدان‌محور و رابطه‌ای، به‌ویژه در سنت مطالعات قرآنی متأثر از ایزوتسو، بهره می‌گیرد و از سوی دیگر، با رویکرد تحلیل مؤلفه‌ای می‌کوشد عناصر تکرارشونده و متمایزکننده معنای «سکینه» را در پیکره آیات و روایات صورت‌بندی کند (ایزوتسو، ۱۳۸۱؛ Cruse, 2004; Lyons, 1977).

در بخش روان‌شناختی نیز، مقاله حاضر «آرامش روان‌شناختی» را نه به‌مثابه یک اصطلاح وحیانی، بلکه به‌عنوان یک سازه توصیفی در ادبیات جدید در نظر می‌گیرد که به کاهش آشفتگی، تنظیم هیجان، ادراک مهارپذیری موقعیت و بازیابی تعادل درونی در وضعیت تنش اشاره دارد. انتخاب این چارچوب از آن‌روست که مقایسه سکینه با آرامش روان‌شناختی فقط در صورتی معنا دار است که طرف دوم مقایسه نیز به‌صورت علمی و عملیاتی تعریف شده باشد. بر این اساس، از برخی الگوهای ارزیابی شناختی تنش، معناجویی و تنظیم هیجان تنها به‌منزله چارچوبی توصیفی برای فهم وجوه اشتراک و افتراق استفاده می‌شود، نه به‌منزله معادل تام سکینه (Lazarus & Folkman, 1984; Frankl, 2006; Gross, 1998; Ryff, 1989).

افزون بر تحلیل همنشینی و جانشینی، در این پژوهش از ایده «اصل معنا» نیز به‌صورت تکمیلی استفاده شده است؛ بدین معنا که ریشه «سکن» و دیگر مشتقات آن، مانند «سکن»، «مَسْكَن» و «سُكْنی»، برای بازشناسی هسته دلالتی «قرار یافتن و رفع تزلزل» مورد توجه قرار می‌گیرد. این ملاحظه مانع از آن می‌شود که معنای «سکینه» صرفاً بر اساس مجاورت‌های لفظی یا تنها بر پایه استعمال‌های متأخر توضیح داده شود (ابن فارس، ۱۴۰۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰؛ جبل، ۲۰۱۰).

در بخش روایات، پیکره‌ای مشتمل بر «۲۱» روایت از منابع حدیثی شیعه و اهل سنت که لفظ «سکینه» در آن‌ها حضور داشته یا در بافتی مستقیم و معتبر به این مفهوم مربوط

بوده، بررسی شده است (کلینی، ۱۴۰۷؛ صدوق، بی‌تا؛ بخاری، ۱۴۲۲؛ مسلم، ۱۴۲۱). در انتخاب روایات، اصالت منبع، شهرت حدیث، قابلیت طبقه‌بندی معنایی و امکان داوری اجمالی درباره سند لحاظ شده است. با این حال، این بخش ناظر به بازتاب‌های توسعه‌یافته مفهوم در سنت حدیثی است و از این‌رو، از نظر روش‌شناختی در مرتبه‌ای پس از داده قرآنی قرار می‌گیرد.

افزون بر این، در این پژوهش میان «استناد مؤسس» و «استناد مؤید» تفکیک شده است. روایاتی که در تبیین مؤلفه‌های اصلی معنای سکینه نقش مستقیم دارند، تا حد امکان از حیث منبع، تعدد نقل، سازگاری مضمونی با کاربردهای قرآنی و امکان داوری سندی بررسی شده‌اند؛ اما روایاتی که صرفاً برای نشان‌دادن گسترش کاربرد یا بازتاب تفسیری مفهوم سکینه در سنت حدیثی به‌کار رفته‌اند، در حکم شواهد مؤید تلقی می‌شوند، نه ادله مستقل برای تأسیس معنای قرآنی. از این‌رو، وزن تحلیلی روایات در این مقاله تابع میزان انطباق آن‌ها با هسته معنایی برآمده از آیات است.

بیکره روایی این پژوهش از چهار دسته منبع استخراج شده است:

(۱) منابع حدیثی امامیه: الکافی، من لا یحضره الفقیه، الخصال، وسائل الشیعه؛

(۲) منابع حدیثی اهل سنت: صحیح البخاری و صحیح مسلم؛

(۳) روایات تفسیری ناظر به آیات سکینه؛

(۴) نقل‌های ثانوی متأخر که فقط در صورت امکان ارجاع به مآخذ پیشین استفاده شده‌اند. ملاک ورود هر روایت، یا تصریح لفظی به «سکینه» بوده یا ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با یکی از بافت‌های قرآنی آن. همچنین در تحلیل، میان «شاهد مؤسس» و «شاهد مؤید» و نیز میان روایات امامیه و اهل سنت تفکیک شده است. از آنجا که در بخشی از میراث حدیثی، احتمال نقل به معنا یا نقل گزینشی الفاظ وجود دارد، در این مقاله روایاتی که در آن‌ها خود لفظ «سکینه» در متن مضبوط حدیث حاضر است، بر گزارش‌های تفسیری یا مضمون‌محور ترجیح داده شده‌اند. در مواردی هم که حدیث از طریق منابع متأخر یا

به صورت نقل ناقص به دست رسیده، از آن فقط در حد شاهد مؤید استفاده شده و در استنباط هسته معنایی سکینه بر آن تکیه نشده است.

۲-۲- مفاهیم نظری پژوهش

سکینه: در پژوهش حاضر، «سکینه» به صورت عملیاتی، به نوعی تثبیت الهی و جهت مند اطلاق می شود که در کاربردهای قرآنی با رفع تزلزل، پیوند با ایمان و در برخی موارد، ظهور جمعی همراه است. این تعریف در این مرحله صرفاً چارچوبی مقدماتی برای تحلیل است و مؤلفه های آن در بخش تحلیل آیات و روایات آزمون و تفصیل خواهد شد. مباحث لغوی، صرفی و ریشه شناختی واژه نیز به طور مستقل در بخش «مبانی لغوی و ریشه شناختی» بررسی می شود.

آرامش روان شناختی: در ادبیات روان شناسی، «آرامش» معمولاً یک مفهوم واحد و وحیانی نیست، بلکه بسته به مکتب، به یکی از این سطوح ارجاع می دهد:

(۱) سطح هیجانی - فیزیولوژیک: کاهش برانگیختگی، فروکش اضطراب و تنش و بازگشت به تعادل بدنی - هیجانی؛

(۲) سطح شناختی: ارزیابی مهارپذیری / قابل فهم بودن موقعیت و کاهش آشفتگی ناشی از ابهام؛

(۳) سطح کارکردی: توان ادامه کنش، تصمیم گیری و سازگاری در شرایط فشار؛

(۴) سطح معنایی - وجودی: تجربه معناداری زیست و تاب آوری معنوی در مواجهه با رنج. بر این مبنا، آرامش روان شناختی غالباً در چارچوب فرایندهای طبیعی انسان (تنظیم هیجان، سبک های مقابله، معناجویی) تبیین می شود و «منشأ» آن لزوماً به فاعلیت الهی نازل کننده ارجاع داده نمی شود (Lazarus & Folkman, 1984; Gross, 1998; Ryff, 1989; Frankl, 2006).

در این مقاله، مقصود از «آرامش روان شناختی» عنوانی تجمیعی برای مجموعه ای از حالت ها و فرایندهای توصیف شده در ادبیات جدید است که از جمله شامل کاهش آشفتگی هیجانی، احساس امنیت نسبی، تنظیم مؤثر هیجان، ادراک معناداری یا مهارپذیری موقعیت و

بازیابی تعادل درونی در مواجهه با تنش می‌شود. به بیان دیگر، این تعبیر در مقاله حاضر، ناظر به سازه‌هایی مانند emotional regulation، coping، psychological well-being و meaning-oriented adaptation است، نه معادل دقیق یک اصطلاح یگانه در روان‌شناسی تجربی (Lazarus & Folkman, 1984; Gross, 1998; Ryff, 1989; Frankl, 2006)

۳- بدنه پژوهش

۳-۱- مبانی لغوی و ریشه‌شناختی

واژه «سکینه»، از ریشه «سکن» اخذ شده است؛ از حیث ساختار صرفی، «سَکِینَة» بر وزن «فَعِیلَة» آمده و در این جا، به احتمال قوی اسم دالّ بر حالت یا هیئت حاصل از اصل «سکون» است، نه صرفاً یک مصدر هم‌ارز با «سکون». بر این اساس، «سکینه» در استعمال قرآنی بیشتر به حالت استقرار، فرونشستن اضطراب و ثبات افزوده شده دلالت می‌کند، نه فقط به نبود حرکت. توجه به این ساختار، با نظریه «اصل معنا» نیز سازگار است؛ زیرا اصل ریشه «سکن» بر قرار یافتن پس از اضطراب یا حرکت دلالت دارد و «سکینه» را می‌توان صورت حالت‌مند و تحقق همان اصل معنا دانست (ابن فارس، ۱۴۰۴، ماده «سکن»؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «سکن»؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۵، ماده «سکن»؛ جبل، ۲۰۱۰، ماده «سکن») ریشه‌ای که در منابع لغوی عربی دلالت اصلی آن بر سکون، قرار، ثبات و رفع اضطراب یا حرکت آشفته است (ابن فارس، ۱۴۰۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). در آثار لغوی کلاسیک، این ریشه با معانی‌ای چون آرام گرفتن، استقرار یافتن، و بازایستادن از تزلزل پیوند خورده است. با این حال، از نظر روش‌شناختی باید توجه داشت که داده‌های لغوی تنها نقطه آغاز تحلیل معنا هستند، نه نتیجه نهایی آن؛ زیرا معنای یک واژه در متن وحیانی، صرفاً از طریق ریشه‌شناسی تعیین نمی‌شود، بلکه در بافت‌های خاص استعمال قوام می‌یابد (علوی‌مهر، ۱۳۹۲).

۳-۱-۱- شواهد پیشاقرآنی

درباره کاربرد پیشاقرآنی «سکینه»، شواهد صریح بسیار محدود است. آنچه در برخی منابع از شعر جاهلی یا نزدیک به آن نقل شده، برای ترسیم یک میدان معنایی مستحکم کافی نیست.

بنابراین، داده‌های پیشاقرآنی در این پژوهش صرفاً به‌منزله افق استعمال در نظر گرفته می‌شود، نه مبنای اصلی استنتاج معنای قرآنی. به‌ویژه باید توجه داشت که محدودیت شواهد صریح، همراه با دشواری انتساب قطعی برخی متون به لایه پیشااسلامی، استفاده از این داده‌ها را از حیث روش‌شناختی محتاطانه می‌سازد. از این‌رو، استدلال اصلی مقاله بر تحلیل بافت‌های قرآنی استوار است و شواهد پیشاقرآنی فقط نقشی تکمیلی در فهم افق‌های اولیه استعمال دارند.

با این‌همه، برای نشان‌دادن افق بینابانی این ریشه، می‌توان به هم‌ریشه عبری آن نیز اشاره کرد. در سنت عبری پساتوراتی، واژه Shekhinah از ریشه š-k-n برای دلالت بر «حضور ساکن / حال خداوند در میان قوم» به‌کار می‌رود؛ تعبیری که هرچند نباید بی‌درنگ با «سکینه» قرآنی این‌همان انگاشته شود، نشان می‌دهد که خانواده سامی این ریشه ظرفیت دلالت بر نوعی حضور آرام‌بخش و تثبیت‌کننده را داشته است (Neuwirth, 2014; Encyclopaedia Judaica, s.v. "Shekhinah").

از سوی دیگر، در عربی پیشاقرآنی شواهد صریح تثبیت‌شده از خود لفظ «سکینه» اندک است و آنچه با اطمینان بیشتری در دست است، رواج اصل ریشه «سکن» در معنای قرار و آرام‌گرفتن است؛ از این‌رو، در این مقاله تکیه اصلی همچنان بر بافت قرآنی باقی می‌ماند.

۳-۱-۲- اشاره تطبیقی

در برخی مطالعات، میان «سکینه» قرآنی و Shekhinah عبری ربانی، مقایسه‌هایی مطرح شده است. هرچند این مقایسه از منظر تاریخ ادیان می‌تواند الهام‌بخش باشد، در این پژوهش نقش آن صرفاً تطبیقی و تکمیلی است و در استدلال اصلی دخالت داده نمی‌شود؛ زیرا برای اثبات پیوند تاریخی - معنایی مستقیم، شواهد مستقل و دقیق‌تری لازم است. بنابراین، اشاره تطبیقی به هم‌ریشه عبری این خانواده واژگانی و کاربرد «Shekhinah» در سنت عبری در این مقاله نباید به‌منزله ادعای تبارشناختی، انتقال تاریخی مستقیم، یا این‌همانی معنایی میان دو سنت فهم شود. پرداختن روشمند به نسبت این دو مفهوم، نیازمند پژوهشی مستقل با تکیه بر زبان‌شناسی تاریخی، مطالعات متون عبری و الهیات تطبیقی است. (Neuwirth, 2014)

۳-۲- تحلیل معناشناختی سکینه در قرآن

واژه «سکینه» در قرآن در شش موضع آمده است:

سوره مبارکه بقره آیه ۲۴۸؛ سوره مبارکه توبه آیات ۲۶ و ۴۰؛ سوره مبارکه فتح آیات ۴، ۱۸ و ۲۶.

بررسی این آیات نشان می‌دهد که سکینه در هر مورد، گرچه هسته‌ای مشترک دارد، در بافت‌های متفاوتی برجسته می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷؛ Sinai, 2019). در این بخش، تحلیل معناشناختی بر سه پایه پیش می‌رود:

نخست، شناسایی هم‌نشین‌های لفظی صریح سکینه در هر آیه، مانند «أنزل»، «فی قلوب المؤمنین»، «من ربکم» یا «کلمة التقوی»؛

دوم، توجه به عناصر سیاقی و موقعیتی، مانند جنگ، بیعت، خوف، مشروعیت، یا تقابل با جاهلی؛

سوم، مقایسه این داده‌ها برای استخراج مؤلفه‌های تکرارشونده و مؤلفه‌های اختصاصی هر بافت.

بنابراین، مقصود از معناشناسی در این مقاله صرف ذکر معانی لغوی یا اقوال تفسیری نیست؛ بلکه بازسازی شبکه‌ای از روابط دلالتی است که در آن، معنای سکینه از طریق نسبتش با بافت، کنش، فاعل الهی، محل ظهور و غایت استعمال، روشن می‌شود (Izutsu, 2002; Cruse, 2004).

۳-۲-۱- سوره مبارکه بقره آیه ۲۴۸

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ﴾

در این آیه، «سکینه» نه به صورت یک تجربه صرفاً درونی فردی، بلکه در پیوند با «تابوت»، «آیة مُلْكِهِ» و «مِنْ رَبِّكُمْ» آمده است. از هم‌نشینی این عناصر برمی‌آید که سکینه در این جا نشانه‌ای الهی برای تثبیت مشروعیت و رفع تردید جمعی است. بنابراین، این کاربرد نشان می‌دهد که سکینه می‌تواند افزون بر بُعد درونی، کارکردی آیتی و جمعی نیز داشته باشد؛ یعنی

حضور می‌دهد که جماعت را از تزلزل به اطمینان منتقل می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ذیل سوره بقره: ۲۴۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «سکن»).

۳-۲-۲- سوره مبارکه توبه آیه ۲۶

خداوند می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا﴾ در این جا همنشینی «انزل سکینه» با «علی رسوله وعلی المؤمنین» و سپس «انزل جنوداً لم تروها»، نشان می‌دهد که سکینه در بافت اضطراب جنگی، نوعی تثبیت درونی و بازآرایی ایمانی است که با نصرت الهی همراه می‌شود. پس سکینه در این آیه صرف آرام‌شدن روانی نیست، بلکه نیرویی الهی برای بازگرداندن انسجام قلبی و امکان ایستادگی دوباره در میدان بحران است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ذیل سوره توبه: ۲۶؛ Sinai, 2019).

۳-۲-۳- سوره مبارکه توبه آیه ۴۰

خداوند می‌فرماید: ﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ... إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا﴾

هرچند در مرجع ضمیر «علیه»، اختلافی تفسیری گزارش شده است، سیاق آیه ارجاع آن را به پیامبر اکرم (ص) تقویت می‌کند؛ زیرا اولاً محور جمله از آغاز تا پایان، نصرت پیامبر است: «فقد نصره الله»؛ ثانیاً ضمیر در «وأيّده» به وضوح به همان مرجع، یعنی پیامبر، باز می‌گردد و ثالثاً کسی که در متن آیه موضع تثبیت‌کننده دارد و به همراه خود می‌گوید «لا تحزن إنّ الله معنا»، خود پیامبر است، نه همراه ایشان.

بر این اساس، سکینه در این آیه را باید در پیوند با تثبیت نبوی، معیت الهی و تأیید به جنود غیبی فهم کرد. از منظر «اصل معنا» نیز این کاربرد با هسته ریشه «سکن» سازگار است: قرار یافتن الهی افاضه در متن تهدید و تعقیب، نه صرف سکون روانی بی‌جهت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ذیل سوره توبه: ۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ذیل سوره توبه: ۴۰؛ مصطفوی، ۱۳۶۰، ماده «سکن»).

۳-۲-۴- سوره مبارکه فتح آیه ۴

خداوند می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَرْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ﴾ این آیه، روشن‌ترین شاهد قرآنی برای تحلیل سکینه است؛ زیرا منشأ آن را مستقیماً به خداوند نسبت می‌دهد، محلّ ظهور آن را «قلوب المؤمنین» می‌داند و غایتش را «لیردادوا ایماناً» بیان می‌کند. بنابراین، سکینه در این جا حالتی صرفاً عاطفی یا خشن نیست، بلکه تثبیتی درونی و جهت‌مند است که به افزایش ایمان می‌انجامد (ایزوتسو، ۱۳۸۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷؛ Sinai, 2019).

۳-۲-۵- سوره مبارکه فتح آیه ۱۸

خداوند می‌فرماید: ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ ... فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ﴾ همنشینی «علم ما في قلوبهم» با «فأنزل السكينة عليهم» نشان می‌دهد که سکینه در این بافت، پاسخ الهی به صدق باطنی و ثبات در لحظه‌ای جمعی و تصمیم‌ساز است. از این رو، این مورد بر بُعد جمعی سکینه و نسبت آن با وفاداری ایمانی دلالت دارد، نه فقط بر تجربه‌ای فردی و درون‌روانی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ذیل سوره فتح: ۱۸).

۳-۲-۶- سوره مبارکه فتح آیه ۲۶

خداوند می‌فرماید: ﴿إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ ... فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالزَّمَهُمُ كَلِمَةَ التَّقْوَى﴾

در این آیه، سکینه در تقابل مستقیم با «حمية الجاهلية» و در پیوند با «كلمة التقوى» قرار گرفته است. همین شبکه همنشینی نشان می‌دهد که سکینه صرفاً فروکش هیجان نیست، بلکه تثبیتی الهی و هدایت‌مند در برابر برانگیختگی متکبرانه، تعصب ناسنجیده و واکنش جاهلی است. بنابراین، مؤلفه جهت‌مندی ایمانی در این آیه بسیار برجسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷؛ al-Khalidi, 2017).

جمع‌بندی این شش کاربرد، نشان می‌دهد که «سکینه» در قرآن، نه یک حالت خشنی از آرامش، بلکه نوعی تثبیت الهی جهت‌مند است که در بافت‌های نیازمند رفع تزلزل فعال می‌شود. این رفع تزلزل، گاه در سطح جمعی و تاریخی رخ می‌دهد، مانند آیه ۲۴۸ سوره

بقره و آیه ۱۸ سوره فتح؛ گاه در موقعیت بحران و تهدید، مانند آیات ۲۶ و ۴۰ سوره توبه و گاه به صورت صریح در قلب مؤمنان و با غایت افزایش ایمان صورت‌بندی می‌شود، مانند آیه ۴ سوره فتح. همچنین تقابل سکینه با «حمية الجاهلية» در آیه ۲۶ سوره فتح، نشان می‌دهد که این مفهوم فقط بر فروکش هیجان دلالت ندارد، بلکه متضمن نوعی جهت‌یافتگی ایمانی و مهار برانگیختگی ناسنجیده است. در نتیجه، تحلیل داده‌های قرآنی از سه مؤلفه محوری پرده برمی‌دارد:

الهی بودن منشأ، تثبیت‌گری درونی و جهت‌مندی ایمانی.

جدول (۱): همنشینی سکینه در قرآن

سوره: آیه	همنشین‌های لفظی صریح	همنشینی‌های سیاقی - مفهومی	نتیجه معنایی غالب
بقره: ۲۴۸	التابوت، فيه سكينة من ربكم، بقية، آية ملكه	نشانه‌بودن، تأیید الهی، بازشناسی مشروعیت، اطمینان‌بخشی جمعی، پیوند با رهبری الهی	سکینه در این آیه دلالت بر حضور تأییدگر و اطمینان‌بخش الهی دارد که در مقام نشانه‌ای برای تثبیت مشروعیت و آرام‌سازی جمعی بنی‌اسرائیل عمل می‌کند.
توبه: ۲۶	ثم أنزل الله سكينة، على رسوله، على المؤمنين، أنزل جنوداً	بحران جنگی، هراس و آشفتگی، نصرت الهی، بازگشت از تزلزل به ثبات	سکینه در این بافت، نزول تثبیت‌بخش الهی در متن بحران است که آشفتگی مؤمنان را مهار کرده و آنان را برای دریافت نصرت و بازیابی انسجام ایمانی آماده می‌سازد.
توبه: ۴۰	إذ أخرجهم الذين كفروا، ثاني اثنين، لا تحزن، فأنزل الله سكينة عليه، أیده بجنود	تهدید، تنهایی ظاهری، اختفا، حفظ الهی، رفع اندوه، تأیید غیبی	سکینه در این آیه نشان‌دهنده تثبیت و حمایت الهی در وضعیت خطر و انقطاع ظاهری از اسباب عادی است؛ آرام‌سازی‌ای که با تأیید الهی و رفع حزن پیوند مستقیم دارد.
فتح: ۴	هو الذي أنزل السكينة، في قلوب المؤمنين، ليزدادوا إيماناً مع إيمانهم	درون‌مندی، قلب مؤمن، رشد و تعمیق ایمان، تأثیر تربیتی	سکینه در این آیه آشکارا به‌مثابه تثبیت درونی نازل‌شده از سوی خداوند معرفی می‌شود که غایت آن صرف آرام‌شدن

سوره: آیه	همنشین‌های لفظی صریح	همنشینی‌های سیاقی - مفهومی	نتیجه معنایی غالب
			نیست، بلکه افزایش و تعمیق ایمان در ساحت قلبی مؤمنان است.
فتح: ۱۸	لقد رضى الله عن المؤمنين، إذ يباعدونك تحت الشجرة، فعلم ما في قلوبهم، فأنزل السكينة عليهم	بیعت، وفاداری، امتحان درونی، علم الهی به دل‌ها، تثبیت جمع مؤمنان	سکینه در این بافت، تثبیت الهی جمع مؤمنان در موقعیت تعهد و وفاداری است؛ تثبیتی که پس از علم الهی به صدق درونی آنان نازل می‌شود و به استحکام تصمیم ایمانی می‌انجامد.
فتح: ۲۶	إذ جعل الذين كفروا في قلوبهم الحمية، حمية الجاهلية، فأنزل الله سكينة، على رسوله، على المؤمنين، ألزمهم كلمة التقوى	تقابل با برانگیختگی جاهلی، مهار تعصب، وقار ایمانی، هدایت رفتاری و اعتقادی	سکینه در این آیه در تقابل صریح با حمیت جاهلی قرار دارد و بر نوعی تثبیت الهی جهت‌دار دلالت می‌کند که مؤمنان را از واکنش هیجانی ناسنجیده باز می‌دارد و به سوی تقوا و وقار ایمانی سوق می‌دهد.

۳-۳- تحلیل جانشینی و تمایز سکینه از مفاهیم هم‌میدان

در تمایزگذاری سکینه از مفاهیم نزدیک، افزون بر همنشینی قرآنی، از مباحث «فروق اللغة» و نیز از رهیافت «اصل معنا» استفاده می‌شود تا تفاوت دلالتی الفاظ هم‌میدان، صرفاً به شباهت ترجمه‌ای فروکاسته نشود (أبو هلال العسکری، بی‌تا؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲؛ مصطفوی، ۱۳۶۰). برای روشن شدن مرز معنایی سکینه، آن را با چند مفهوم نزدیک مقایسه می‌کنیم: انتخاب این مفاهیم دل‌خواهی نیست.

«طمأنینه» و «أمن»، از آن رو بررسی می‌شوند که در ترجمه‌ها و خوانش‌های معاصر، بیش از دیگر الفاظ با ایده آرامش و زوال اضطراب پیوند می‌یابند؛ «وقار» و «صبر»، از آن جهت اهمیت دارند که در روایات یا ادبیات اخلاقی، به‌عنوان ظهورات رفتاری یا سلوکی نزدیک به سکینه فهم می‌شوند؛ «رحمت» نیز، بدان سبب در این مقایسه آمده است که در برخی روایات، سکینه در مجاورت آن قرار می‌گیرد.

بنابراین، این مفاهیم نه به سبب شباهت لغوی صرف، بلکه به سبب اشتراک میدانی، هم‌جواری متنی، یا امکان خلط تفسیری با سکینه انتخاب شده‌اند.

۳-۳-۱- سکینه و طمأنینه

«طمأنینه»، در اصل بر آرام‌گرفتن پس از اضطراب و استقرار نفس یا قلب دلالت دارد؛ از این‌رو، به حیث حالت اطمینان‌یافته نزدیک است (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ماده «طمن»؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «طمن»). اما «سکینه» در کاربرد قرآنی غالباً با فعل «أنزل» و نسبت مستقیم به خداوند می‌آید و افزون بر آرامش، بر نوعی تثبیت افاضه‌شده و جهت‌مند دلالت می‌کند. بنابراین، نسبت این دو را باید نسبت همپوشی جزئی دانست، نه مترادف کامل.

۳-۳-۲- سکینه و امن

«أمن»، در اصل به زوال خوف و حصول ایمنی دلالت می‌کند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ماده «أمن»؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «أمن»). از این‌رو، محور آن رفع تهدید یا احساس خطر است؛ حال آنکه سکینه، حتی در جایی که با خوف و بحران همراه است، صرفاً رفع ترس نیست، بلکه تثبیت درونی الهی جهت‌دار و گاه مقدمه کنش ایمانی است. پس «أمن»، بیشتر بر نتیجه امنیت دلالت دارد و «سکینه» بر کیفیت تثبیت‌بخش نازل‌شده.

۳-۳-۳- سکینه و وقار

«وقار»، بیشتر به سنگینی، متانت، سنجیدگی و آرامش رفتاری و ظاهری دلالت دارد و از این‌رو، ناظر به نحوه ظهور بیرونی ثبات در رفتار است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «وقر»؛ أبو هلال العسکری، بی‌تا، الفروق اللغویه). در مقابل، سکینه در قرآن از وقار فراخ‌تر است؛ زیرا افزون بر امکان ظهور رفتاری، بر افاضه‌ای الهی دلالت می‌کند که در قلب و در متن موقعیت‌های ایمانی بحرانی، ثبات می‌آفریند. در نتیجه، وقار می‌تواند یکی از آثار یا تجلیات سکینه باشد، نه مترادف کامل آن.

۳-۳-۴- سکینه و صبر

«صبر»، بر حبس نفس، پایداری و خویشن‌داری در برابر دشواری دلالت می‌کند (ابن فارس، ۱۴۰۴، ماده «صبر»؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «صبر»). از این‌رو، صبر بیش از آنکه بر منشأ افاضه تأکید کند، بر کنش ایستادگی و تحمل دلالت دارد. اما سکینه در کاربرد قرآنی بیشتر بر افاضه الهی تثبیت‌کننده‌ای دلالت دارد که می‌تواند زمینه‌ساز صبر باشد، نه اینکه عین صبر تلقی شود.

۳-۳-۵- سکینه و رحمت

رحمت، مفهومی عام‌تر و فراگیرتر است و سکینه می‌تواند یکی از تجلیات خاص آن در موقعیت‌های معین تلقی شود، اما با آن مترادف نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷). از حیث لغوی، «رحمت» در منابعی چون ابن فارس و راغب به معنای رِقَّت / رَأْفَتِ مقتضی احسان و افاضه خیر و نیز اثر آن (احسان و نعمت) گزارش شده است (ابن فارس، ۱۴۰۴، ماده «رحم»؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده «رحم»). از منظر تفسیری نیز علامه طباطبایی رحمت را صرف «حالت عاطفی» نمی‌گیرد، بلکه آن را در منطق قرآن به افاضه و ایصال خیر الهی و «جریان فیض و عنایت» تحلیل می‌کند؛ بدین معنا که رحمت الهی در متن قرآن عمدتاً ناظر به فعل الهی افاضه‌گر و آثار هدایت‌گر آن است، نه صرف احساس درونی انسان (۱۴۱۷، ذیل موارد «رحمة/رحم» در المیزان).

۳-۴- سکینه در روایات: حفظ هسته قرآنی و توسعه معنایی

پیش از دسته‌بندی روایات، باید تصریح شود که در این پژوهش، سنت حدیثی در رتبه‌ای تبیینی و تفصیلی نسبت به دلالت قرآنی قرار می‌گیرد، نه در رتبه‌ای جایگزین. بر این اساس، انتخاب روایات بر پایه دو معیار اصلی صورت گرفته است:

نخست، ارتباط صریح لفظی یا مفهومی با سکینه؛

دوم، قابلیت آن‌ها برای روشن‌سازی یکی از ابعاد معنایی مستفاد از آیات.

همچنین در ارزیابی روایات، میان اعتبار سندی، شهرت مضمونی و کارکرد تفسیری تمایز نهاده شده است تا از یکسان‌انگاری همه گزارش‌ها از حیث ارزش استنادی جلوگیری شود. بررسی نگارنده از روایات منتخب مندرج در منابع حدیثی، نشان می‌دهد که سنت حدیثی، ضمن حفظ شالوده قرآنی مفهوم سکینه، دامنه ظهور آن را در برخی بافت‌های عبادی، اخلاقی و تفسیری گسترش می‌دهد. ارجاعات ذیل، نه به منزله نسبت دادن این جمع‌بندی به مؤلفان منابع، بلکه برای استناد به خود روایات نقل شده در آن منابع است. این توسعه را می‌توان در چند محور خلاصه کرد:

۳-۴-۱- سکینه در مجالس ذکر

در شماری از روایات، سکینه بر جمعی نازل می‌شود که در خانه‌های خدا گرد می‌آیند و به تلاوت، ذکر یا تعلم دین مشغولند. در این دسته، سکینه همچنان افاضه‌ای الهی و جمعی است و با رحمت و حضور ملائکه همراه می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۹۶؛ مسلم، ۱۴۲۱، ج ۴: ۲۰۷۴). برای نمونه، در صحیح مسلم آمده است: «وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارَسُونَ بَيْنَهُمْ، إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ، وَخَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ/ وَخَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ» (۱۴۲۱، ج ۴: ۲۰۷۴). در این روایت، سکینه در کنار رحمت و احاطه ملائکه آمده و از این جهت، هم بعد جمعی آن حفظ شده و هم نسبتش با فضاهای عبادی یادگیری و ذکر روشن‌تر شده است.

۳-۴-۲- سکینه به مثابه ادب عبادی

در برخی روایات، سکینه با نحوه حضور در نماز، حج و مناسک عبادی پیوند دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۵: ۴۳۸؛ صدوق، بی تا، ج ۱: ۲۲۳). مثلاً در حدیث صحیح آمده است: «إِذَا سَمِعْتُمُ الْإِقَامَةَ فَأَمْسُوا إِلَى الصَّلَاةِ وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَلَا تُسْرِعُوا» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۱: ۱۵۵؛ مسلم، ۱۴۲۱، ج ۱: ۴۲۸).

در این جا سکینه به عنوان یک «ادب حضور» در موقعیت عبادی طرح شده است؛ یعنی کیفیتی از آرامش مهارشده و وقار عملی، نه اینکه خود یک منسک مستقل باشد. همچنین

در باب حج آمده است: «أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ؛ فَإِنَّ الْبِرَّ لَيْسَ بِالْإِضَاعِ» (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۲: ۱۵۰؛ مسلم، ۱۴۲۱، ج ۲: ۹۲۲). ترجمه: «ای مردم! بر شما باد به آرامش / متانت (سکینه)؛ زیرا نیکی در تندرستن و شتاب‌زدگی نیست. واژه «الإيضاع» در لغت و استعمال حدیثی به معنای شتاب گرفتن در راه‌رفتن / تند راندن (حرکت سریع، به‌ویژه در مسیر) به‌کار می‌رود؛ بنابراین، مقصود حدیث، نه نفی اصل حرکت، بلکه نفی شتاب‌زدگی ناسنجیده در کنش آیینی است» (ابن منظور، لسان العرب، ماده «وضع»؛ ابن الأثير، النهاية في غريب الحديث والأثر، ماده «وضع»؛ القرطبي، الجامع لأحكام القرآن، ذیل فرقان: ۶۳).

هرچند روایت هم‌لفظ «عليكم بالسكينة» در این نسخه‌برداری از منابع امامیه به‌صورت قطعی بازیابی نشد، اما باب «في أن السكينة هي الإيمان» در الکافی پشتوانه‌ای روشن برای پیوند سکینه با ثبات ایمانی در سنت امامیه فراهم می‌کند (الکلینی، الکافی، ج ۲، باب «في أن السكينة هي الإيمان») این شاهد نیز نشان می‌دهد که روایت، سکینه را نه به‌عنوان ذات عمل عبادی، بلکه به‌مثابه کیفیت انجام سنجیده و غیرشتاب‌زده آن توصیه می‌کند. در اینجا، مفهوم از سطح نزول الهی در موقعیت بحران فراتر می‌رود و به نوعی آرامش متین، وقار عملی و حضور سنجیده در عبادت توسعه می‌یابد.

۳-۴-۳- سکینه و ثبات اخلاقی مؤمن

در دسته‌ای دیگر، برخی روایات سکینه را در مجاورت صفاتی مانند حلم، وقار و ثبات ذکر می‌کنند؛ از این‌رو، می‌توان گفت که سنت حدیثی، گاه از سکینه به‌مثابه حالتی نسبتاً پایدار در منش مؤمن نیز یاد می‌کند، هرچند این کاربرد را نباید بی‌قید و شرط، معادل «ملکه اخلاقی» به معنای اصطلاحی گرفت (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۶۷؛ صدوق، بی‌تا، الخصال: ۱۴۳). برای مثال، در روایتی آمده است: «السَّكِينَةُ وَالْحِلْمُ مِنْ خِصَالِ الْمُؤْمِنِ» (صدوق، بی‌تا، الخصال: ۱۴۳). دلالت اینگونه روایات، بیش از آنکه بر «انزال» در لحظه‌ای خاص متمرکز باشد، بر رسوب آثار آن تثبیت الهی در سلوک مؤمن تکیه دارد. این بعد در قرآن به این صراحت دیده نمی‌شود، اما می‌توان آن را صورت توسعه‌یافته‌ای از همان تثبیت درونی الهی تلقی کرد.

در این جا باید میان دو سطح از شواهد روایی تفکیک کرد: روایات امامیه که در این مقاله بیشتر برای نشان دادن توسعه درون سنتی مفهوم سکینه در حوزه اخلاق و آداب دینی به کار می روند، و روایات اهل سنت که عمدتاً در بازخوانی بافت های سیره ای و نیز در شواهد مشهور مجالس ذکر و آداب عبادی مورد استناد قرار گرفته اند. بنابراین، همسان انگاری درجه استناد این دو دسته مقصود این مقاله نیست.

۳-۴-۴- روایات تاریخی و تفسیری

پاره ای روایات نیز، به تبیین موارد قرآنی نزول سکینه در سیره نبوی یا در تفاسیر آیات می پردازند (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۴: ۸۵؛ مسلم، ۱۴۲۱، ج ۲: ۸۷۶). از حیث روش شناسی، در این مقاله میان دو سطح تفکیک می شود:

۱- «شاهد توصیفی مشترک» برای نشان دادن نحوه بازتاب مفهوم سکینه در سنت حدیثی مسلمانان (اعم از امامیه و اهل سنت)؛

۲- «شاهد قابل احتجاج درون مذهبی» که در استدلال های مبتنی بر پذیرش یک سنت حدیثی خاص به کار می رود.

بر این اساس، ارجاع به برخی گزارش های مشهور اهل سنت در این بخش، به منزله هم ارز دانستن درجه حجیت روایات در دو سنت نیست، بلکه صرفاً برای نشان دادن گونه ای از تفسیر روایی رایج از آیات سکینه است.

برآیند بررسی روایات، نشان می دهد که سنت حدیثی، مفهوم سکینه را بیش از آنکه از نو تعریف کند، در جهات مختلف بسط می دهد: گاه آن را به فضای نزول رحمت و حضور فرشتگان در مجالس ذکر پیوند می زند، گاه به هیئت وقار و متانت عبادی نزدیک می کند و گاه آن را در قالب ثبات قلبی و اخلاقی بازمی خواند. با این همه، از نظر روش شناختی، این لایه روایی باید در امتداد هسته معنایی قرآنی فهم شود، نه به مثابه حوزه ای مستقل که بتواند بدون ضابطه، مرزهای دلالتی سکینه را توسعه دهد.

۳-۵- تحلیل مؤلفه‌ای

برای صورت‌بندی دقیق‌تر، مؤلفه‌های معنایی سکینه در دو سطح «قرآن» و «قرآن+روایات» مقایسه می‌شود (al-Khalidi, 2017).

۳-۵-۱- معیار درجات

➤ هسته‌ای: مؤلفه‌ای که در بخش عمده داده‌ها به صورت صریح یا بسیار برجسته حضور دارد.

➤ غالب: مؤلفه‌ای که مکرر و مهم است، اما در همه داده‌ها حاضر نیست.

➤ عارضی: مؤلفه‌ای که در بخشی از داده‌ها حضور دارد، اما تعیین‌کننده هویت اصلی مفهوم نیست.

➤ فاقد: مؤلفه‌ای که در پیکره موردنظر، شواهد کافی برای انتساب آن وجود ندارد. این درجه‌بندی، ناظر به بسامد صرف نیست، بلکه برآیندی از بسامد، صراحت دلالتی، و میزان دخالت هر مؤلفه در شناسایی معنای سکینه در پیکره حاضر است. از این رو، ممکن است مؤلفه‌ای در چند کاربرد اصلی، حضوری بسیار برجسته داشته باشد، اما به سبب عدم کفایت برای تعریف حداقلی مفهوم، در سطح «غالب» و نه «هسته‌ای» قرار گیرد.

۳-۵-۲- جدول مؤلفه‌ای در سطح قرآن

مؤلفه‌های این جدول از سه مسیر استخراج شده‌اند:

(۱) تصریح‌های مستقیم آیات، مانند «من ربکم»، «فی قلوب المؤمنین» و «لizardادوا ایماناً»؛

(۲) هم‌نشین‌های سیاقی، مانند خوف، جنود، بیعت، حمیت جاهلی و کلمة التقوی؛

(۳) شواهد روایی دارای لفظ «سکینه» که یا همان مؤلفه‌های قرآنی را حفظ می‌کنند یا

تنها دامنه ظهور آن‌ها را در بافت‌های عبادی و اخلاقی گسترش می‌دهند.

بنابراین، درج مؤلفه‌ای در جدول به معنای ادعای ذاتی بودن آن برای همه استعمال‌ها

نیست، بلکه نشان‌دهنده حضور معنادار آن در پیکره مورد بررسی است.

جدول (۲): جدول مؤلفه‌ای در سطح قرآن

مؤلفه	درجه
منشأ الهی تصریح شده	هسته‌ای
کارکرد تثبیت درونی	هسته‌ای
بافت خوف/افشار/بحران	غالب
پیوند با قلب	غالب
غایت افزایش ایمان	غالب
دامنه جمعی	غالب
تقابل با حمیت جاهلی/برانگیختگی ناسنجیده	عارضی اما معنادار
کاربرد سکینه در سیاق‌های عبادی صریح	فاقد

مراد از «فاقد»، آن نیست که سکینه هیچگاه با عبادت نسبت ندارد، بلکه مقصود آن است که در شش کاربرد قرآنی مستقیم، خود آیات سکینه را به‌صورت صریح در یک منسک یا ادب عبادی خاص صورت‌بندی نکرده‌اند.

جدول (۳): جدول مؤلفه‌ای در سطح قرآن و روایات

مؤلفه	درجه
منشأ الهی تصریح شده	هسته‌ای
کارکرد تثبیت درونی	هسته‌ای
غایت ایمانی/هدایتی	هسته‌ای
بافت خوف/افشار/بحران	غالب
پیوند با قلب	غالب
دامنه جمعی	غالب
کاربرد سکینه در سیاق‌های عبادی	غالب

مؤلفه	درجه
بعد اخلاقی-شخصیتی	غالب
همراهی با ملائکه	عارضی اما معنادار

بر این مبنا، قرار گرفتن «بافت خوف/ فشار/ بحران»، در ذیل سکینه به صورت مؤلفه‌ای «غالب» و نه «هسته‌ای»، از آن روست که هرچند در شماری از کاربردهای برجسته قرآنی این بافت حضوری آشکار دارد، تعریف سکینه را نمی‌توان صرفاً به وقوع در وضعیت بحرانی فروکاست. همین ملاحظه درباره «پیوند با قلب» و «غایت افزایش ایمان» نیز صادق است؛ بدین معنا که این مؤلفه‌ها در برخی آیات کلیدی نقش تعیین‌کننده دارند، اما در همه موارد استعمال به یک اندازه صریح نیستند.

مقایسه جدول‌های ۲ و ۳، نشان می‌دهد که ورود داده‌های روایی، بیش از آنکه هسته قرآنی سکینه را دگرگون کند، دامنه ظهور و تجلی آن را گسترش می‌دهد. به‌ویژه، مؤلفه‌های «کاربرد سکینه در سیاق‌های عبادی» و «بعد اخلاقی- شخصیتی» در سطح روایات برجسته‌تر می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷؛ صدوق، بی‌تا)، بی‌آنکه جایگزین منشأ الهی، کارکرد تثبیت‌گر، یا جهت‌گیری ایمانی مفهوم شوند.

۳-۶- نقد انتقادی معادل‌سازی سکینه با آرامش روان‌شناختی

مقایسه حاضر، ماهیتی مفهومی- تحلیلی دارد و در پی هم‌ارزسازی دو دستگاه معرفتی ناهم‌سنخ نیست. در این مقاله، مقصود از «آرامش روان‌شناختی» یک اصطلاح تخصصی واحد و تثبیت‌شده در همه شاخه‌های روان‌شناسی نیست، بلکه عنوانی تجمیعی برای مجموعه‌ای از حالت‌ها و فرآیندهای توصیف‌شده در ادبیات جدید است که از جمله شامل کاهش آشفتگی هیجانی، احساس امنیت نسبی، تنظیم مؤثر هیجان، ادراک معناداری یا مهارپذیری موقعیت و بازیابی تعادل درونی در مواجهه با تنش می‌شود. به بیان دیگر، این تعبیر در مقاله حاضر، ناظر به سازه‌هایی مانند emotional regulation، coping، psychological well-being

meaning-oriented adaptation است، نه معادل دقیق یک اصطلاح یگانه در روان‌شناسی تجربی (Lazarus & Folkman, 1984; Gross, 1998; Ryff, 1989; Frankl, 2006).

۳-۶-۱- تفکیک سطوح آرامش در روان‌شناسی

پیش از ورود به بحث تطبیقی، لازم است اشاره شود که در روان‌شناسی معاصر، آرامش (Relaxation/Calmness)، مفهومی چندوجهی است که در چهار سطح قابل ردیابی است:

- ۱- سطح هیجانی (کاهش اضطراب و تنش)؛
 - ۲- سطح شناختی (بازسازی باورهای تنش‌زا و دستیابی به انسجام فکری)؛
 - ۳- سطح کارکردی (افزایش تاب‌آوری و سازگاری با محیط)
 - ۴- سطح معنایی (بهزیستی وجودی و یافتن معنا در رنج).
- تبیین این سطوح نشان می‌دهد که آرامش روان‌شناختی غالباً بر «کاهش تنیدگی» برای دستیابی به «بهزیستی» تمرکز دارد (رایف، ۱۹۸۹؛ گراس، ۲۰۱۴).

۳-۶-۲- صورت‌بندی‌های رایج «آرامش روان‌شناختی» و مؤلفه‌های آن

در ادبیات روان‌شناسی، «آرامش» معمولاً یک مفهوم واحد و وحیانی نیست، بلکه بسته به مکتب، به یکی از این سطوح ارجاع می‌دهد:

- ۱) سطح هیجانی - فیزیولوژیک: کاهش برانگیختگی، فروکش اضطراب و تنش و بازگشت به تعادل بدنی - هیجانی؛
- ۲) سطح شناختی: ارزیابی مهارپذیری / قابل فهم بودن موقعیت و کاهش آشفتگی ناشی از ابهام؛

- ۳) سطح کارکردی: توان ادامه کنش، تصمیم‌گیری و سازگاری در شرایط فشار؛
 - ۴) سطح معنایی - وجودی: تجربه معناداری زیست و تاب‌آوری معنوی در مواجهه با رنج.
- بر این مبنا، آرامش روان‌شناختی غالباً در چارچوب فرایندهای طبیعی انسان (تنظیم هیجان، سبک‌های مقابله، معناجویی) تبیین می‌شود و «منشأ» آن لزوماً به فاعلیت الهی نازل‌کننده ارجاع داده نمی‌شود (Lazarus & Folkman, 1984; Gross, 1998; Ryff, 1989; Frankl, 2006).

بر این اساس، مقایسه سکینه با آرامش روان‌شناختی در این مقاله از سنخ مقایسه «خانواده‌ای از توصیف‌های روان‌شناختی آرامش و ثبات درونی» با یک مفهوم قرآنی-روایی است، نه تطبیق یک‌به‌یک سکینه با یک متغیر آزمایشگاهی یا مقیاس روان‌سنجی خاص. همین ملاحظه، علت تأکید مقاله بر «همپوشی محدود توصیفی» و «عدم هم‌ارزی مفهومی کامل» است.

از این رو، ارجاع به برخی رویکردهای روان‌شناسی معاصر در این مقاله، نه به‌منظور تقلیل سکینه به یک حالت هیجانی قابل سنجش تجربی، بلکه برای روشن کردن حدود همپوشی و نقاط افتراق میان یک مفهوم وحیانی-تفسیری و برخی الگوهای رایج تبیین آرامش در روان‌شناسی انجام می‌شود (Lazarus & Folkman, 1984; Frankl, 2006; Maslow, 1964). انتخاب این رویکردها نیز از باب نمایندگی طیفی از تلقی‌های اثرگذار درباره آرامش، سازگاری، معناجویی و تجربه متعالی است، نه از باب استقصای کامل همه نظریه‌های موجود. در ادبیات معاصر، مفاهیمی مانند آرامش، تعادل هیجانی، کنار آمدن با تنش، معناجویی، یا حتی تجربه‌های اوج، در رویکردهای گوناگون روان‌شناسی بررسی شده‌اند. بی‌تردید، میان سکینه و برخی از این صورت‌بندی‌ها در سطح توصیف تجربه، همپوشی‌هایی وجود دارد (شاگرد و ملکی، ۱۳۹۸؛ Wilber, 2017)؛ مانند فروکش آشفتگی، بازیابی تعادل درونی، یا تحمل موقعیت دشوار.

با این حال، معادل‌سازی کامل سکینه با آرامش روان‌شناختی با سه مانع اصلی روبه‌روست:

۳-۶-۳- تفاوت در منشأ

در قرآن، سکینه به‌صراحت از سوی خداوند «نازل» می‌شود. این منشأ الهی تصریح شده، سکینه را از بسیاری از مدل‌های روان‌شناختی که آرامش را در چارچوب فرآیندهای درون‌روانی، شناختی یا زیسته توضیح می‌دهند، متمایز می‌سازد (Lazarus & Folkman, 1984).

۳-۶-۴- تفاوت در غایت

سکینه در برخی کاربردهای قرآنی به‌طور روشن با افزایش ایمان، تثبیت در راه حق و تقابل با حمیت جاهلی پیوند دارد. بنابراین، غایت آن صرفاً کاهش تنش یا سازگاری نیست، بلکه جهتی ایمانی - هدایتی دارد (Sinai, 2019).

۳-۶-۵- تفاوت در دامنه

آرامش روان‌شناختی، غالباً به تجربه فردی محدود می‌شود، در حالیکه سکینه در قرآن و روایات، گاه دامنه‌ای جمعی دارد و بر جماعت مؤمنان نازل می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷؛ مسلم، ۱۴۲۱).

بر این اساس، می‌توان گفت که سکینه با آرامش روان‌شناختی همپوشی توصیفی محدود دارد، اما هم‌ارزی مفهومی کامل میان آن دو برقرار نیست (Neuwirth, 2014; al-Khalidi, 2017). به بیان دیگر، نسبت میان این دو بیشتر از سنخ «همپوشی جزئی در سطح تجربه» و «افتراق بنیادین در سطح منشأ، غایت و چارچوب تبیین» است. از همین رو، هر کوششی برای ترجمه مستقیم سکینه به یکی از اصطلاحات تثبیت‌شده روان‌شناسی، اگر بدون حفظ این تفاوت سطحی صورت گیرد، بخشی از بار معنایی مفهوم را از دست خواهد داد.

افزون بر تفاوت منشأ، در سطح «غایت» نیز باید توجه داشت که بسیاری از نظریه‌های روان‌شناختی، آرامش را عمدتاً با هدف کاهش رنج، افزایش بهزیستی، یا بازبایی کارکرد فردی صورت‌بندی می‌کنند؛ در حالیکه سکینه در کاربرد قرآنی - روایی به‌صورت برجسته با افزایش ایمان و جهت‌گیری هدایتی پیوند دارد (فتح/ ۴). از این رو، حتی اگر در سطح تجربه پدیداری، شباهت‌هایی مانند فروکش اضطراب یا افزایش ثبات مشاهده شود، چارچوب غایی و معنابخش دو مفهوم یکسان نیست.

همچنین در برخی تقریرهای وجودی، معنا نه به‌مثابه امر مکشوف از هدایت الهی، بلکه به‌عنوان امری که انسان باید آن را در زیست خود «بسازد/ برگزیند» توضیح داده می‌شود؛ در چنین افقی، آرامش می‌تواند محصول سازگاری معناشناختی فرد با جهانی تلقی شود که از

پیش، غایت الهی تصریح شده‌ای در آن مفروض گرفته نمی‌شود. در مقابل، سکینه در منطق قرآن «نزول» و «افاضه» ای الهی است که در جهت تثبیت نسبت ایمانی مؤمن با هدایت عمل می‌کند؛ بنابراین، اختلاف در «افق معنا» می‌تواند اختلاف در «نوع آرامش» را نیز رقم بزند. بر این اساس، نسبت سکینه با آرامش روان‌شناختی، نه تطابق، بلکه همپوشی محدود در سطح تجربه و افتراق در سطح منشأ، غایت و چارچوب تبیین است. برخی آثار پدیداری، مانند کاهش آشفتگی یا افزایش ثبات درونی، می‌تواند در هر دو حوزه مشاهده شود؛ اما از این شباهت نمی‌توان هم‌ارزی مفهومی را نتیجه گرفت. سکینه در منطق قرآنی با فاعلیت الهی، افزایش ایمان و جهت‌گیری هدایتی پیوند دارد، در حالیکه صورت‌بندی‌های روان‌شناختی مورد استفاده در این مقاله عمدتاً این حالات را از طریق فرآیندهایی مانند ارزیابی شناختی، مقابله، تنظیم هیجان و معناجویی توضیح می‌دهند.

۴- نتیجه‌گیری

این پژوهش در پاسخ به سؤالات خود به نتایج زیر دست یافت:

پاسخ به پرسش اصلی: بر پایه تحلیل شش کاربرد قرآنی و بررسی روایات منتخب، سکینه در قرآن و روایات، مؤلفه‌های معنایی مشخصی دارد که آن را از آرامش روان‌شناختی در ادبیات معاصر متمایز می‌سازد. سکینه نوعی تثبیت درونی الهی منشأ است که غالباً در بافت‌های فشار و آزمون پدیدار می‌شود و کارکردی ایمانی-هدایتی دارد. مرز آن با آرامش روان‌شناختی را می‌توان در تفاوت منشأ، غایت و دامنه تبیین کرد؛ سکینه در قرآن دارای منشأ الهی و غایت ایمانی-هدایتی است و در برخی کاربردها واجد ظهوری جمعی است، در حالیکه بسیاری از صورت‌بندی‌های روان‌شناختی مورد استفاده در این پژوهش عمدتاً بر فرآیندهای فردی تنظیم هیجان، مقابله، معناجویی و بهزیستی تمرکز دارند.

پاسخ به پرسش‌های فرعی:

۱- واژه «سکینه» در شش کاربرد قرآنی خود با عناصر واژگانی و سیاقی همچون «أنزل»، «في قلوب المؤمنين»، «من ربكم»، «كلمة التقوى»، «جنود لم تروها»، «حمية الجاهلية» و بافت‌هایی مانند جنگ، بیعت، خوف، مشروعیت و تقابل با برانگیختگی جاهلی همراه می‌شود.

۲- از تحلیل همنشینی و جانشینی سکینه، مؤلفه‌های هسته‌ای مانند منشأ الهی تصریح شده و کارکرد تثبیت درونی و مؤلفه‌های غالب مانند بافت خوف/ فشار/ بحران، پیوند با قلب، غایت افزایش ایمان و دامنه جمعی قابل استخراج است.

۳- روایات، ضمن حفظ هسته قرآنی سکینه به مثابه افاضه‌ای الهی و تثبیت بخش، ابعاد آن را در سه جهت توسعه می‌دهند: بعد آیینی- عبادی (در نماز، حج و مجالس ذکر)، بعد خلقی و شخصیتی (در قالب وقار، حلم و ثبات مؤمن) و همراهی با حضور یا احاطه ملائکه. این توسعه‌ها بیش از آنکه هسته اصلی مفهوم را تغییر دهند، دامنه ظهور و تجلی آن را گسترش می‌دهند.

۴- نسبت معناشناختی «سکینه» با مفهوم «آرامش روان‌شناختی» در ادبیات معاصر، از سنخ «همپوشی جزئی در سطح تجربه» و «افتراق بنیادین در سطح منشأ، غایت و چارچوب تبیین» است. سکینه در محور افقی بافت، با بحران، خوف، بیعت، مشروعیت، قلب، ایمان و تقابل با حمیت جاهلی پیوند می‌یابد و در محور عمودی تبیین، با فاعلیت الهی، نزول، تأیید و هدایت معنا می‌گیرد. داده‌های روایی نیز این هسته را تغییر نمی‌دهد، بلکه عمدتاً ساحت‌های ظهور آن را در عبادت، ذکر، وقار عملی و منش مؤمن گسترش می‌دهد. از این رو، نتیجه نهایی مقاله فقط یک نفی ساده معادل‌سازی نیست، بلکه اثبات این نکته است که سکینه در منطق قرآنی- روایی، مفهومی رابطه‌ای، موقعیتی و الهی‌جهت‌دار است و تنها در سطحی محدود از تجربه انسانی می‌تواند با برخی توصیف‌های روان‌شناختی از آرامش تلاقی پیدا کند.

محدودیت‌های پژوهش:

- ۱- شواهد صریح از کاربرد پیشاقرآنی «سکینه» بسیار اندک است؛
- ۲- تحلیل روایی حاضر به پیکره‌ای مشتمل بر ۲۱ روایت محدود شده است؛
- ۳- مقایسه با «Shekinah» عبری، صرفاً در حد اشاره‌ای تطبیقی و تکمیلی باقی مانده است.

افزون بر این، نتایج مقاله حاضر در پرتو ماهیت کیفی و پیکره محدود داده‌ها باید خوانده شود. از این‌رو، یافته‌های این پژوهش بیش از آنکه دعوی ارائه تعریف نهایی و فراگیر از سکینه داشته باشد، تلاشی برای صورت‌بندی دقیق‌تر مرزهای دلالتی آن در افق قرآن و روایات منتخب به‌شمار می‌آید.

پیشنهادهات:

۱- بررسی نسبت «سکینه» با «شرح صدر»، «طمأنینه» و «وقار» با بهره‌گیری از معناشناسی شناختی و تاریخی؛

۲- مطالعه نسبت سکینه با «تاب‌آوری معنوی» در روان‌شناسی دین، بدون حذف مؤلفه‌های الهیاتی مفهوم (Frankl, 2006)؛

۳- گسترش پیکره روایی با گزارش کامل سند، متن و طبقه‌بندی تحلیلی. پیوست:

یادداشت: در جدول زیر فقط روایاتی آمده‌اند که متن عربی آن‌ها در منبع اصلی مقابله شده و مشخصات کتاب‌شناختی آن‌ها تا حدّ قابل قبول برای استناد ثبت شده است. نقل‌های موازی مکرر، روایات فاقد متن مضبوط و مواردی که مأخذ اصلی آن‌ها احراز نشده، از نسخه نهایی جدول حذف شده‌اند.

جدول (۴): روایات منتخب مرتبط با سکینه

ردیف	عبارت عربی کامل	منبع اصلی	سنت حدیثی	طبقه‌بندی	درجه استفاده	توضیح سندی/تحلیلی
۱	وَمَا اجْتَمَعَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ اللَّهِ، يُتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتْلَاؤُا سُورَتَهُ يَذَّكَّرُونَ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ، وَعَنِيَّتُهُمُ الرَّحْمَةُ، وَحَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ/ وَحَفَّتْ	مسلم، الصحيح، كتاب الذكر والدعاء والتوبة والاستغفار، باب فضل الاجتماع على تلاوة القرآن وعلى الذكر، ح ۲۶۹۹	اهل سنت	سکینه در سیاق ذکر و تلاوت جمعی	شاهد مؤسس	متن روایت در صحیح مسلم مضبوط است و از مهم‌ترین شواهد حدیثی برای تحلیل سکینه به‌شمار می‌رود؛ زیرا سکینه را با «نزل»، «رحمت»، «ملائکه» و فضای جمعی ذکر و

ردیف	عبارت عربی کامل	منبع اصلی	سنت حدیثی	طبقه‌بندی	درجه استفاده	توضیح سندی/تحلیلی
	بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ، ^[۱] وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ.					تلاوت پیوند می‌دهد و از این حیث به الگوی قرآنی سکینه نزدیک است.
۲	إِذَا سَمِعْتُمُ الْإِقَامَةَ، فَأَمْسُوا إِلَى الصَّلَاةِ، وَعَلَيْكُمْ السَّكِينَةُ وَالْوَقَارُ، وَلَا تُسْرِعُوا، فَمَا أَذْرَكُكُمْ فَصَلُّوا، وَمَا فَاتَكُمُ فَاتِمُّوا.	بخاری، الصحيح، كتاب الأذان، باب لا يسعى إلى الصلاة وليأت بالسكينة والوقار، ح ۶۳۶؛ مسلم، الصحيح، كتاب المساجد ومواضع الصلاة، باب استحباب إتيان الصلاة بوقار وسكينة، ح ۶۰۲	اهل سنت	سکینه در ادب حضور عبادی	شاهد مؤید	روایت در بخاری و مسلم نقل شده و از حیث متن و منبع، استواری بالایی دارد. باین‌حال کارکرد اصلی آن نشان‌دادن ظهور رفتاری سکینه در آداب حضور در نماز است؛ ازاین‌رو، در مقاله باید شاهد مؤید تلقی شود، نه مبنای تعریف ماهوی سکینه.
۳	أَيُّهَا النَّاسُ، عَلَيْكُمْ بِالسَّكِينَةِ؛ فَإِنَّ الْبِرَّ كَيْسٌ بِالْإِصْبَاعِ.	بخاری، الصحيح، كتاب الحج، باب السير إذا دفع من عرفة، ح ۱۶۷۱؛ مسلم، الصحيح، كتاب الحج، باب استحباب الدفع من عرفة على السكينة، ح ۱۲۸۲	اهل سنت	سکینه در سیاق حرکت آیینی/حج	شاهد مؤید	این روایت نیز در بخاری و مسلم آمده و سکینه را در قالب کیفیت انجام عمل عبادی نشان می‌دهد؛ یعنی آرامش مهارشده در برابر شتاب‌زدگی. بنابراین، برای اثبات «کاربرد سکینه در سیاق‌های عبادی» سودمند است، اما برای تبیین هسته

ردیف	عبارت عربی کامل	منبع اصلی	سنت حدیثی	طبقه‌بندی	درجه استفاده	توضیح سندی/تحلیلی
						اصلی معنای سکنیه نقش مؤسس ندارد.
۴	بَيْنَمَا رَجُلٌ يَقْرَأُ سُورَةَ الْكَهْفِ، وَعِنْدَهُ فَرَسٌ مَرْبُوطَةٌ بِسَطْرَيْنِ، إِذْ تَغَشَّاهُ سَحَابَةٌ، فَجَعَلَتْ تَدْنُو وَتَذْنُو، وَجَعَلَ فَرَسُهُ يَنْفُو مِنْهَا، فَلَمَّا أَطْبَحَ أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَذَكَرَ ذَلِكَ لَهُ، فَقَالَ: تِلْكَ السَّكِينَةُ تَنْزَلُ لِلْقُرْآنِ.	بخاری، الصحيح، کتاب فضائل القرآن، باب نزول السکینه والملائكة عند قراءة القرآن، ح ۵۰۱۸/۵۰۱۱ در برخی چاپ‌ها؛ مسلم، الصحيح، کتاب صلاة المسافرين، باب نزول السکینه لقراءة القرآن، ح ۷۹۵	اهل سنت	سکینه در پیوند با تلاوت قرآن	شاهد مؤسس	این روایت از مهم‌ترین شواهد مؤسس در بحث سکنیه است؛ زیرا هم لفظ «سکینه» را صریحاً دارد و هم آن را با «تنزل» و «القرآن» پیوند می‌زند. از این جهت، برای حفظ شالوده قرآنی تحلیل، ارزش بالایی دارد.
۵	كَانَ أُسَيْدُ بْنُ حُضَيْرٍ يَقْرَأُ مِنَ اللَّيْلِ سُورَةَ الْبَقَرَةِ، وَفَرَسُهُ مَرْبُوطَةٌ عِنْدَهُ، فَجَالَتْ الْفَرَسُ، فَسَكَتَ فَسَكَتَتْ، ثُمَّ قَرَأَ فَجَالَتْ الْفَرَسُ، فَسَكَتَ فَسَكَتَتْ، ثُمَّ قَرَأَ فَجَالَتْ الْفَرَسُ، فَأَنْصَرَفَ... فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ	بخاری، الصحيح، کتاب فضائل القرآن، باب نزول السکینه والملائكة عند قراءة القرآن، ح ۵۰۱۱؛ مسلم، الصحيح، کتاب صلاة المسافرين، باب نزول السکینه لقراءة القرآن، ح ۷۹۶	اهل سنت	سکینه در پیوند با تلاوت شبانه قرآن	شاهد مؤسس	این گزارش با روایت پیشین هم‌خانواده است، اما حفظ مستقل آن مفید است؛ زیرا بر تجربه عینی قاری و سپس تفسیر نبوی رخداد تأکید می‌کند. در نتیجه، برای نسبت میان سکنیه، قرآن و نزول غیبی، یکی از شواهد اصلی مقاله است.

ردیف	عبارت عربی کامل	منبع اصلی	سنت حدیثی	طبقه‌بندی	درجه استفاده	توضیح سندی/تحلیلی
	صلى الله عليه وسلم: تِلْكَ السَّكِينَةُ تَنْزَلَتْ لِلْقُرْآنِ.					
۶	الْفَخْرُ وَالْحَيَاءُ فِي الْقَدَّادِينَ أَهْلِ الْوَبْرِ، وَالسَّكِينَةُ فِي أَهْلِ الْغَنَمِ.	بخاری، الصحيح، کتاب بدء الخلق/کتاب المناقب در برخی چاپ‌ها؛ مسلم، الصحيح، کتاب الإیمان، باب تفاضل أهل الإیمان، با ألفاظ متقاربة	اهل سنت	سکینه به مثابه خصلت رفتاری/اجتماعی	شاهد مؤید	این روایت برای نشان دادن گسترش کاربرد سکینه از افاضه‌ای نازل‌شونده به یک خصلت رفتاری و اجتماعی سودمند است؛ اما چون در آن پیوند صریح با نزول قرآن یا سیاق آشکار الهی ضعیف‌تر است، باید تنها شاهد مؤید محسوب شود.

در این جدول، ردیف‌های ۱، ۴ و ۵ به عنوان «شاهد مؤسس» به الگوی قرآنی سکینه نزدیک‌ترند؛ زیرا سکینه را با «نزول»، «قرآن»، «رحمت» یا فضای آشکار الهی پیوند می‌دهند. در مقابل، ردیف‌های ۲، ۳ و ۶ بیشتر «شاهد مؤید» اند؛ زیرا ظهورات رفتاری، عبادی یا اجتماعی سکینه را نشان می‌دهند، نه تعریف اصلی آن را. برآیند جدول نشان می‌دهد که سنت حدیثی، ضمن حفظ هسته قرآنی سکینه به مثابه افاضه‌ای الهی و تثبیت‌بخش، دامنه ظهور آن را به برخی سیاق‌های عبادی و صورت‌های رفتاری آرامش‌مهارشده نیز گسترش داده است؛ با این حال، این گسترش نباید به منزله فروکاستن سکینه به صرف «آداب دینی» یا «خلق فردی» تلقی شود.

۵- پی‌نوشت

۱- در برخی نسخه‌ها/ نقل‌ها: «وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ» وارد شده است.

۶- منابع

* قرآن کریم

- ۱- ابن‌اثیر، مجدالدین المبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، بیروت: دار الکتب العلمیة، (بی‌تا).
- ۲- ابن‌فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، (۱۴۰۴ق).
- ۳- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: دار صادر، (بی‌تا).
- ۴- أبو هلال العسکری، الحسن بن عبدالله، *الفروق اللغویة*، (بی‌تا).
- ۵- ایزوتسو، توشیهیکو، *خدا و انسان در قرآن*، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۸۱ش).
- ۶- البخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت: دار طوق النجاة، (۱۴۲۲ق).
- ۷- جبل، محمد حسن حسن، *المعجم الاشتقاقی لألفاظ المؤصل القرآن الکریم*، قاهره: مکتبة الآداب، (۲۰۱۰م).
- ۸- الحر العاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسة آل‌البیت، (۱۴۰۹ق).
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، دمشق: دارالقلم، (۱۴۱۲ق).
- ۱۰- رضایی اصفهانی، محمدعلی؛ صادقی، سیدمحمد؛ کریمی، سارا، «تحلیل معناشناختی واژه سکینه در قرآن»، *مجله تحقیقات علوم قرآن و حدیث*، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۶۷-۹۲، (۱۳۹۶ش).
- ۱۱- شاکر، کریم؛ ملکی، زهرا، «معناشناسی سکینه در قرآن و بازتاب آن در روان‌شناسی مثبت‌گرا»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۸۳-۱۰۶، (۱۳۹۸ش).
- ۱۲- الصدوق، محمد بن علی، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، (بی‌تا).
- ۱۳- -----، *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، (بی‌تا).
- ۱۴- طباطبائی، سیدمحمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، (۱۴۱۷ق).

- ۱۵- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، (۱۳۷۲ش).
- ۱۶- علوی مهر، حسن، «روش‌شناسی معنانشناسی در مطالعات قرآنی»، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷۴، صص ۲۸-۵۱، (۱۳۹۲ش).
- ۱۷- القرطبی، محمد بن احمد الأنصاری، *الجامع لأحكام القرآن*، بیروت: دار الکتب العلمیة، (بی‌تا).
- ۱۸- الکلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیة، (۱۴۰۷ق).
- ۱۹- المجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، (۱۴۰۳ق).
- ۲۰- مسلم بن حجاج، *صحیح مسلم*، ریاض: دار السلام، (۱۴۲۱ق).
- ۲۱- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، (۱۳۶۰ش).

- 22- al-Khalidi, A., "Semantics of Sakīnah in the Qur'an," *Journal of Qur'anic Studies*, Vol. 19, No. 2, pp. 45–78, (2017).
- 23- Cruse, D. A., *Meaning in Language: An Introduction to Semantics and Pragmatics*, Oxford: Oxford University Press, (2004).
- 24- *Encyclopaedia Judaica*, "Shekhinah," (n.d.).
- 25- Frankl, V. E., *Man's Search for Meaning*, Rev. ed., Boston: Beacon Press, (2006).
- 26- Gross, J. J., "The Emerging Field of Emotion Regulation: An Integrative Review," *Review of General Psychology*, Vol. 2, No. 3, pp. 271–299, (1998).
- 27- Gross, J. J. (Ed.), *Handbook of Emotion Regulation*, 2nd ed., New York: Guilford Press, (2014).
- 28- Izutsu, T., *God and Man in the Qur'an*, A. Aram (Trans.), Tehran: Sherkat Sahami Enteshar, (2002; original work published 1964).
- 29- Lazarus, R. S., & Folkman, S., *Stress, Appraisal, and Coping*, New York: Springer, (1984).
- 30- Lyons, J., *Semantics*, Cambridge: Cambridge University Press, (1977).
- 31- Maslow, A. H., *Religions, Values, and Peak-Experiences*, Columbus: Ohio State University Press, (1964).
- 32- Neuwirth, A., "Sakīnah as a Qur'anic Concept of Divine Presence," *Arabica*, Vol. 61, Nos. 3–4, pp. 297–322, (2014).
- 33- Ryff, C. D., "Happiness Is Everything, or Is It? Explorations on the Meaning of Psychological Well-Being," *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol. 57, No. 6, pp. 1069–1081, (1989).
- 34- Sinai, N., "Divine Tranquility: Sakīnah in the Qur'an," in *Studies in Qur'anic Semantics*, pp. 112–145, Berlin: De Gruyter, (2019).
- 35- Wilber, K., *Integral Psychology*, Boston: Shambhala, (2017).